

بررسی نقش موسیقی در اثربخشی موضوعات سلامت در رادیوسلامت

(از نگاه کارشناسان و مخاطبان)

❖ سعید یوسفی بيله سوار
تهیه کننده و سردبیر رادیو سلامت



مقدمه

موسیقی را در بُعد شنیداری می‌توان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین دلایل فراخوان و جلب توجه مخاطبان برنامه‌های رادیویی محسوب کرد، چراکه موسیقی از دیرباز نه تنها به‌عنوان یک هنر، بلکه یک وسیله ارتباطی مهم همواره مورد استفاده انسان‌ها در جوامع مختلف قرار گرفته است.

با توجه به ویژگی خاص شبکه سلامت در مقایسه با دیگر شبکه‌های صدا از نظر محتوای برنامه‌ها و ماهیت موسیقی کاربردی در این شبکه، به نظر مناسب آمد تا تحقیقی در زمینه نقش موسیقی در اثرگذاری پیام در شبکه سلامت از دید مخاطبان و کارشناسان امر موسیقی و رسانه به انجام برسد.

رها سازد.

راديو سلامت به مثابه يك رسانه شنيداری معتبر، جذاب و پيشگام در حوزه بهداشت و سلامت فرد و جامعه و با موضوع سلامت و بهداشت، جزو راديوهای تخصصی مطرح در کشور است. ارتقای سلامت فرد و جامعه از اهداف تاسيس شبکه راديوي سلامت بوده است. موسيقي در اين شبکه نيز از عناصر اصلی برنامه‌سازي تلقی می‌شود به‌گونه‌ای که می‌توان با استفاده صحیح و مطابق با اصول علمی در انتقال پیام‌های سلامتی به مخاطبان، بهتر عمل کرد.

در شبکه سلامت که با مباحث علمی در حیطه سلامتی و بهداشت برنامه‌سازي می‌کند، نحوه به‌کارگیری عنصر موسيقي در فرایند برنامه‌سازي بحثی است که جای تامل دارد. با شناخت و اشراف عوامل برنامه‌ساز نسبت به مقوله موسيقي و ارزش و اهمیت ویژگی ارتباطی آن در برنامه‌های راديوي می‌توان به رشد و شکوفایی این شبکه راديوي دست یافت. باتوجه به اینکه موسيقي هم کارکرد ارتباطی بین بخش‌های برنامه دارد و هم بنا به عقیده برخی پزشکان می‌تواند نقش التیام‌بخشی و درمانی بر شنوندگان خاص، داشته باشد، نگارنده تحقیق در پی یافتن پاسخ به این سوال است که آیا استفاده درست و هدفمند از عنصر موسيقي می‌تواند در شبکه سلامت به دریافت درست مطالب از سوی مخاطبان این شبکه و تأثیرگذاری پیام‌ها کمک کند؟ و نیز آیا می‌توان گفت که استفاده بهینه از عنصر موسيقي در انتقال مؤثر پیامها به مخاطبان مفید است؟

نوع و نحوه استفاده از موسيقي آن هم با در نظر گرفتن مخاطبان شبکه - که نسبت به دیگر شبکه‌ها، خاص هستند- و نیز مطالب پخش شده از این شبکه بیانگر آن است که استفاده درست و اصولی از هنر موسيقي می‌تواند تأثیر مطلوبی بر سلامت روان مخاطبان داشته و آنان را با محتوای برنامه بیشتر مأنوس کند. در این پژوهش هدف کلی، بررسی

موسيقي به میزان قابل توجهی در تسکین و تقلیل وضعیت بحرانی بیماران که در بخش آی‌سی‌یو بستری بوده‌اند، تأثیر داشته است زیرا ثابت شده که سیستم اعصاب انسان به محرک‌های موزیکال پاسخ مثبت می‌دهد و عملاً موسيقي در تغییر حالت بیماران مؤثر است

زمانی باشد. برای جذب مخاطبان بیشتر بهره‌گیری از فنون جدید در پخش برنامه‌ها علاوه بر پاسخگویی به خواسته‌های جدید مخاطبان در غنی‌سازی خواسته‌های آنان نقش بسزایی دارد. بنابراین نظرسنجی دائمی از سطح وضعیت و سلیقه‌ها، ذائقه‌ها و نیازهای در حال رشد شنونده‌های راديو می‌تواند این رسانه را از گرفتار شدن در دور باطل



طرح مسئله

موسيقي به معنای عام، تمام راديوست و به معنای خاص، نسبتی متفاوت و غیرقابل تعمیم با راديو می‌یابد. (کلانتری، ۱۳۸۶).

راديو با توجه به اهمیتی که دارد، باید در جهت نفوذ بیشتر در بین مخاطبان و افزایش تأثیرگذاری بر آنان همواره به دنبال شیوه‌های نو و متناسب با شرایط

نقش موسیقی در اثربخشی پیام‌های رادیویی در **رادیوسلامت** است که با مقایسه اهمیت موسیقی در برنامه‌های **رادیو سلامت** با عناصری چون کلام و نیز بررسی التیام‌بخش بودن موسیقی در مخاطبان خاص **رادیو سلامت** در جهت رسیدن به این هدف گام برداشته است.

سؤال‌های اصلی تحقیق

۱- اهمیت موسیقی در برنامه‌های **رادیوسلامت** در مقایسه با عناصری چون کلام چقدر است؟

۲- آیا موسیقی می‌تواند به تنهایی باعث التیام‌بخشی به مخاطبان خاص **رادیوسلامت** شود؟

فرضیات تحقیق

۱- موسیقی عامل مؤثری در افزایش میزان تأثیرپذیری بیشتر مخاطبان **رادیوسلامت** است.

۲- استفاده اصولی و علمی از موسیقی به تنهایی، تحت نظر کارشناسان و متخصصین امر می‌تواند در موارد زیادی باعث التیام خاطر مخاطبان شود.

چارچوب نظری

صوت موسیقی به تنهایی یک عنصر بی‌نهایت موثر و پراسرار است که کوچک‌شمردن و بی‌توجهی به آن خردمندانه نیست. تأثیر موسیقی از طریق حسی در عادی‌ترین افراد بشر، کافی‌ترین دلیل اهمیت آن است.

موسیقی به‌عنوان پدیده‌ای که به‌گونه‌ای باعث آرامش و تنش‌زدایی انسان می‌شود، زمینه‌ای به قدمت خود انسان دارد؛ از جمله رفتارهای موزون و هماهنگ در هنگام راه رفتن، دویدن، کار، بیرون دادن اصواتی از حنجره که منجر به تولید ترانه‌های ابتدایی شد. سپس ورود آن‌ها در زندگی روزمره گروه‌ها و قبایلی که شنیدن موسیقی، آن‌ها را از خود بیخود می‌کرد و برایشان موسیقی به صورت نمادی خاص درآمد، مانند قبیله کانیکا.

در تاریخ علم می‌خوانیم بیماری‌های درمان‌نشده را که بعضی از پزشکان از درمان آن عاجز بودند، با نوای نی درمان می‌کردند. درباره خوش‌نوازی و

خوش‌آوازی داود نبی(ع)، همه شنیده‌ایم که وقتی آواز می‌خواند و چنگ می‌نواخت، نه تنها انسان‌ها بلکه وحوش نیز با لحن خوش داود پیامبر(ع) آرامش می‌یافتند (هاشمیان، ۱۳۸۲).

برخی از مفسران قرآن در تفسیر آیه ۱۹ سوره مبارکه ص: «وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ» نوشته‌اند که تا روزگار داود نبی(ع)، سازی در کار نبود و مردم، تنها با ترانه‌خوانی آشنا بودند و در فرصت‌های مناسب با خویشتن زمزمه می‌کردند تا آنکه خدا حضرت داود(ع) را آوازی داد که هرگز پیش از او - و پس از او - هیچ کس را چنان آوازی به این خوشی نبوده است. این صدای گیرا و جذاب و پرطنین داود(ع) بود که در کوه‌ها منعکس می‌شد و پرندگان را به سوی خود جذب می‌کرد. ابن اثیر گوید: از جمله نعمت‌هایی که خدا به داود(ع) عنایت کرده بود، صوت روح‌افزا و گیرایی بود که وی داشت و هرگاه لب به خواندن **زبور** می‌گشود، موجودات بیابان در اطراف وی اجتماع می‌کردند (رسولی محلاتی، ۱۳۷۸).

در کتاب اول **تورات** باب ۱۶ آیات ۱۴ تا ۲۳ چنین آمده است که هر زمان ساموئل درگیر آشفته‌گی‌های روانی می‌شد و به او حالت پریشانی دست می‌داد، حضرت داود(ع)، چنگ برمی‌گرفت و می‌نواخت و او آرام می‌شد! همچنین در **تورات** سفر تثبیه، باب ۳۱ آیه ۱۹ می‌بینیم که قسمت عمده‌ای از زندگی عبریان را موسیقی تشکیل می‌داد. وقتی که خداوند از عبریان خواست رویدادهای مخصوص را به خاطر بسپارند، به موسی(ع) دستور داد که به مردم آوازی بیاموزد که به منزله یادبودی از رویدادهای مهم آنان باشد.

افلاطون می‌گوید: نغمه و وزن موسیقی تأثیر فوق‌العاده‌ای در روح انسان دارد و اگر درست به کار رود، می‌تواند زیبایی را در رویاهای روح جایگزین کند. لودویک وان بتهوون اعتقاد داشت «موسیقی، کشوری است که روح من در آن حرکت می‌کند. در آنجا هر چیزی گل‌های زیبا می‌دهد و هیچ علف هرزه‌ای در آن نمی‌روید اما

کمتر هستند کسانی که بفهمند در هر قطعه از موسیقی چه شوری نهفته است.» موتزارت هم در وصف موسیقی چنین می‌گوید: بشر موسیقی را از طبیعت فرا گرفته و به طبیعت هم باید اهدا کند.

ریچارد باخ نیز درباره موسیقی چنین اظهارنظر می‌کند: هر صدایی که در طبیعت ایجاد می‌شود، نوعی موسیقی است که هرکسی قادر به درک آن است ولی متفاوت لذت می‌برد (یعقوبی، ۱۳۸۵).

رایک بر این باور است که موسیقی، تصاویر و عواطف ناخودآگاه را بیدار می‌کند. روانکاوی دیگری به نام کوهرت در ارتباط با احساس لذت ناشی از موسیقی پیشنهاد می‌کند: در سطح ایده‌آل، موسیقی انگیزه‌های اساسی تهاجمی و نهاد را ارضا می‌کند و اجازه می‌دهد که این تمایلات بدون احساس گناه و در یک محیط قابل قبول اجتماعی به صورتی متعالی تخلیه شود.

فیثاغورث هم معتقد بود که موسیقی تجویز شده‌ی مخصوص می‌تواند به سلامتی فرد منجر شود و او را به سمت اصواتی هدایت کند که پایه سیستم تونال موسیقی امروزی را توسعه دهد (زاده محمدی، ۱۳۸۰).

در دوره رنسانس استفاده از موسیقی به عنوان دارویی برای پیشگیری از بیماری، امری متداول و برای درمانگران آن دوره پذیرفته شده بود. مثلاً توماسو دل گاربا^۱ در توصیه‌های پزشکی برای مصونیت از طاعون به اهمیت شادی و نشاط روحی و خوش‌فکری و گوش‌دادن به موسیقی لذت‌بخش پافشاری می‌کرد (زاده محمدی، ۱۳۸۰).

صدا و موسیقی

صداها موسیقایی یا توسط انسان تولید می‌شود و یا به وسیله سازهایی مانند پیانو، ویولن، تار، فلوت و غیره. هر ساز نوای خاص خود را دارد و تمامی سازها اگر یک نت واحد را بنوازند، باز نوای هر ساز قابل تمیز از سازهای دیگر است چون هر ساز با توجه به تکنیک نوایی

می‌گویند و در فارسی به «دانش الحان موسیقی» ترجمه شده است. خاستگاه موسیقی گانداروا ودا از هند باستان است و قدمت آن به سده‌های بسیار کهن می‌رسد و اکنون نیز بر مبنای آن قطعات موسیقی هنری مختلفی ساخته می‌شود که تأثیر آن بسیار فراتر از نوایی صرفاً «آرام‌بخش» یا «تهییج‌کننده» است.

در این روش براساس غلبه طبایع مختلف در اوقات متفاوت شبانه‌روز، راگ‌های مناسب برای صبح، ظهر، عصر و... مشخص شده‌اند. در حقیقت استفاده از اصوات و موسیقی در فرهنگ‌های مختلف و تأثیر آن بر جنبه‌های گوناگون زندگی بشر مقوله‌ای آن‌چنان گسترده است که بررسی تمام ابعاد آن نیاز به زمان طولانی دارد.

موسیقی درمانی

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که غده تالاموس به عنوان مهم‌ترین غده در مغز انسان محرک‌های صوتی را به وسیله سیستم‌های عصبی دریافت و در کنار حافظه و تخیل به آن‌ها پاسخ می‌دهد. غده هیپوفیز نیز - که از غده تالاموس فرمان دریافت می‌کند و به محرک‌های صوتی موزون پاسخ می‌دهد -

دو نیمکره فعال است، به نظر می‌رسد مدالیتة موسیقی هم به لحاظ حسی و هم به لحاظ حرکتی، موجبات هماهنگی بیشتر عملکرد بین دو نیمکره را فراهم خواهد ساخت (نعمتیان، ۱۳۸۳).

اصوات موسیقی به عنوان جنبه‌ای از زندگی انسان تأثیرات بسیار عمیقی بر روحيات، شخصیت و سلامتی او دارد تا آنجا که حتی در برخی مذاهب، ایجاد صوت را به عنوان شروع خلقت در نظر می‌گیرند. در هنرها نیز "موسیقی درمانی" به عنوان رشته‌ای مستقل مورد توجه بوده است. اما علاوه بر آن در دیگر رشته‌ها نیز مانند طب چینی، طب سنتی هند هومیوپاتی از اصوات استفاده می‌گردد. به طور مثال؛ در طب سوزنی تَن صدای بیمار در تشخیص بیماری وی بسیار مهم است و یا در پزشکی هومیوپاتی علاوه بر تن صدا و نحوه سخن گفتن بیمار، نوع موسیقی مورد علاقه و واکنش‌های گوناگون بیمار - از قبیل خوشحالی، افسردگی، گریه و یا حساسیت و تمایل به صدای یک ساز خاص - بسیار مهم است. در طب سنتی هند نیز یک روش درمانی پیشرفته، استفاده از موسیقی در درمان است که در زبان هندی به آن گانداروا ودا

خاص خود، تولید صدا می‌کند. وقتی نت‌ها به گونه‌ای خاص و الگوی مشخص آرایش شوند، آهنگ ساخته می‌شود و مهارت در ترکیب، تلفیق و آرایش آواهای مختلف سازها است که انواع موسیقی را می‌سازد. هرچند که کیفیت آهنگین نواهای موسیقی به سلیقه و چگونگی شنوایی افراد نیز بستگی دارد. یک گوش تربیت شده به مراتب آواهای موسیقی را بهتر درک و تفسیر می‌کند تا شنونده‌ای که هیچ‌گونه آشنایی با موسیقی نداشته باشد.

مطالعات نوروپسیکولوژی و تصویربرداری مغزی نظیر سونوگرافی داپلر ترانس کرانیال، برش‌نگاری با گسیل پوزیترون و تصویربرداری با تشدید مغناطیسی عملکردی نشان می‌دهد که ادراک موسیقایی فقط وابسته به نیمکره راست نیست بلکه در شبکه عصبی اجزای اصلی موسیقی (بسامد، دینامیک، طنین، تمپو، ریتم، ملودی و...) مرتبط با هر دو نیمکره مغزی هستند به عبارتی در مغز مرکز موسیقی نداریم. از آنجا که در شنیدن و انجام ماهرانه و هماهنگ فعالیت‌های موسیقایی، بخش‌های مختلفی از دستگاه عصبی مرکزی و هر

Music on the mind

When we listen to music, it's processed in many different areas of our brain. The extent of the brain's involvement was scarcely imagined until the early nineties, when functional brain imaging became possible. The major computational centres include:

CORPUS CALLOSUM

Connects left and right hemispheres.

MOTOR CORTEX

Movement, foot tapping, dancing, and playing an instrument.

PREFRONTAL CORTEX

Creation of expectations, violation and satisfaction of expectations.

NUCLEUS ACCUMBENS

Emotional reactions to music.

AMYGDALA

Emotional reactions to music.

SENSORY CORTEX

Tactile feedback from playing an instrument and dancing.

AUDITORY CORTEX

The first stages of listening to sounds. The perception and analysis of tones.

HIPPOCAMPUS

Memory for music, musical experiences and contexts.

VISUAL CORTEX

Reading music, looking at a performer's or one's own movements.

CEREBELLUM

Movement such as foot tapping, dancing, and playing an instrument. Also involved in emotional reactions to music.

MIKE FALLE/THE GLOBE AND MAIL ■ SOURCE: THIS IS YOUR BRAIN ON MUSIC: THE SCIENCE OF A HUMAN OBSESSION

موجب ترشحاتی می‌شود که نتیجه آن، آزادسازی ماده آرام‌بخش به نام آندروفین است.

باتوجه به اینکه مهم‌ترین اثر ماده آندروفین تسکین درد در انسان است، به سادگی می‌توان به ارزش موسیقی درمانی که عملاً موجبات آزادسازی این ماده را در انسان فراهم می‌سازد، پی برد. گفتنی است که این ماده علاوه بر تسکین درد، موجبات انبساط و شادی در انسان را فراهم می‌کند.

تحقیقاتی که توسط کولن در سال ۱۹۹۲ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان سنت جرج لندن صورت گرفته است، نشان می‌دهد که موسیقی به میزان قابل توجهی در تسکین و تقلیل وضعیت بحرانی بیماران که در بخش آی‌سی‌یو بستری بوده‌اند، تأثیر داشته است زیرا ثابت شده که سیستم اعصاب انسان به محرک‌های موزیکال پاسخ مثبت می‌دهد و عملاً موسیقی در تغییر حالت بیماران مؤثر است (عمرانی گرگری، ۱۳۸۲).

گوش درونی انسان هزاران پرز دارد و دانشمندان کشف کرده‌اند که دوسوم این پرزها فقط در برابر فرکانس‌های موسیقی مرتعش می‌شوند. این مطلب می‌تواند به این معنی باشد که انسان‌های اولیه در موقعیتی تکامل یافتند که ارتباطات بین مردم عمدتاً از طریق موسیقی و آواز برقرار بوده است (عمرانی گرگری، ۱۳۸۲).

در یک قضاوت معمولی درک زیبایی ملودی‌های موسیقی تنها حسی و ادراکی است چراکه به محض شنیدن قطعه‌ای تصور خوب و یا زشتی و زیبایی حاصل می‌شود. اما قضاوت حس افراد در اثر ممارست و شنیدن بسیار نسبت به حالی که در هر زمان معمولی و بدون انگیزه از موسیقی به او دست می‌دهد، متفاوت است. در حقیقت باید گفت که زیبایی دیگری نیز وجود دارد که آن تنها حسی و ادراکی نیست بلکه به کمک فکر و تجزیه و تحلیل عوامل زیبایی‌ساز خصوصاً در

موسیقی فهم می‌شود.

در تحقیق و تشخیص علمی زیبایی موسیقی حال به هر شکل دو نکته عمده جای تأمل دارد:

• شناخت و تسلط بر اصول و قواعد حسی و فکری موسیقی است

• تمایل عاطفی یا میل درونی برای شنیدن و محظوظ شدن از موسیقی.

دان کمپیل ممکن است یک آمریکایی پیشگام در رشته خودش باشد، اما مردی را که او انیشتین اصوات می‌نامد، دکتر آلفرد توماتیس است. او که یک پزشک فرانسوی است، زندگی خود را وقف مطالعه روی گوش و تأثیر موسیقی روی مغز افراد نموده است و همین دکتر توماتیس بود که برای اولین بار کشف و اعلام نمود که جنین می‌تواند صداها را بشنود. طبق اظهارات توماتیس تمامی اعصاب دماغی به گوش‌ها ختم می‌شوند. همین موضوع می‌رساند که چرا موسیقی آرام بخش نه تنها موجب آرامش عمیق می‌شود، بلکه مستقیماً روی ریتم تنفس، ضربان قلب و هضم غذا نیز اثر مثبت دارد. در حقیقت تحقیقات توماتیس او را به سوی تئوری‌هایی رهنمون شد که صحبت‌های خوشایند، قشر بیرونی مغز را نوازش و شارژ نموده نیروی لازم برای تغییر و تحول ماهیچه‌های خاص و صدای خروجی از حنجره را فراهم می‌کند (قهرمانی پور، ۱۳۸۵).

موسیقی در رادیو و فلسفه شنیدن
پخش موسیقی از رادیو و ایجاد تغییر در کمیت و کیفیت شنیدن، فلسفه موسیقی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. قبل از اینکه به تغییرات در شنیدن موسیقی و تأثیرات متقابل میان رادیو و فلسفه موسیقی از این منظر بپردازیم، با اشاره‌ای کوتاه به فلسفه موسیقی نشانه‌های تغییر در حوزه کاربری موسیقی در رادیو را بهتر می‌توان دریافت.

فلسفه موسیقی در جامعه

فارغ از کمیت و کیفیت موسیقی موجود می‌توانیم بپرسیم که فلسفه وجودی و کارکرد موسیقی در جامعه

امروز، چیست؟ در پاسخ به این سؤال به‌طور کلی می‌توان موارد زیر را به عنوان فلسفه موسیقی در جامعه امروز بیان کرد (مقتدر، ۱۳۷۷: ۲۸-۲۷).

• موسیقی وسیله‌ای برای انتقال نوعی پیام است.

• یکی از عناصر هویت ملی و شناخت آن است.

• وسیله‌ای برای تسهیل تفهیم و تفهم است.

• گاهی در نقش یک نماد در جامعه است.

• موسیقی به انواع کلام مخصوصاً به مضمون آوازاها کیفیت بیانی و تأثیرگذاری می‌بخشد.

• موسیقی وسیله‌ای برای تهییج عواطف و احساسات است.

• گاهی وسیله‌ای برای کسب لذت و حظ سمعی است.

• برای مخاطبان رسانه رادیو، گاهی مانند یک همراه و دوست ظاهر می‌شود. آنچه برای رادیو و کارگزاران آن قابل توجه است، دلیل و فلسفه شنیدن و چگونگی شنیدن موسیقی در رادیو به وسیله شنوندگان است. در پاسخ به این سؤال پیش از هر چیزی باید میان واژه‌های شنیدن گوش دادن تمایز نهاد. این دو اصطلاح که در زبان فارسی دارای معانی متفاوتند و عموماً سهواً به جای یکدیگر به کار می‌روند، در عربی معادل سماع و استماع هستند.

بر مبنای دو مفهوم فوق می‌توان گفت شنوندگان رادیو، موسیقی را چهار نوع می‌شنوند. البته هر یک از آن‌ها به وضعیت شنونده در زمان شنیدن و دلایل و انگیزه‌های او همچنین قدرت جذب و تأثیرگذاری آنچه پخش می‌شود، مربوط است.

این ۴ نوع عبارتند از:

- گوش دادن بدون توجه یا شنیدن

- گوش کردن احساساتی

- گوش کردن با هیجان

- گوش دادن ادراکی (خجسته، ۱۳۸۶).

اثر ذاتی رادیو



موسیقی، راهی برای

تجربه ارتعاشات به

شکل خاص است.

موسیقی، هنر ارتعاشات

است. تأثیر مثبت یا

منفی این ارتعاشات بر

روی جسم بستگی به

چگونگی تنظیم و آرایه

موسیقی دارد. منبع

صدای موسیقی، بلندی

و کوتاهی صدا، حتی

خالص بودن صدا اثر

زیادی بر روی جسم و

زندگی انسان می‌گذارد.

یک ساز موسیقی را از کوک خارج کند، عواملی نیز قادرند بدن انسان را از کوک خارج کنند.

موسیقی به عنوان دارو

وقتی درباره نوع موسیقی مؤثر در درمان جسمی صحبت می‌کنیم، در واقع تأکیدمان بر اهمیت فرکانس‌های موسیقی مورد استفاده است. درست است که موسیقی‌هایی مانند موسیقی کلاسیک و سنتی و حتی پاپ ارزش زیادی دارند، ولی سلامتی واقعی جسمی فقط به خاطر ملودی‌ها و هارمونی‌های پیچیده و تنظیم‌های ماهرانه قطعات

مورد نظر کارگردان نقش مهمی داشته باشد چه رسد به تأکیدات موضوعی در فیلم. تصاویر، عموماً در انتقال موضوع مورد نظر بسیاری از اوقات دچار لکنت پیامی هستند و قادر نیستند به تنهایی پیام مورد نظر را تفهیم بخشند. قرین شدن موسیقی به‌عنوان یک عنصر بالنده انتقال‌دهندهٔ سالم، بسیار مؤثر است. چه بسیار و چه بسا سخنی را که تصویر نتوانسته معنا کند، اما موزیک به خوبی از عهدهٔ تفهیم آن برآمده است. جافتادان هر برنامه یا پیام، موزیک یا ملودی خاص خود را می‌طلبند و اثرات منشعب از این ترکیب است که از کیفیت عالی برخوردار خواهد بود (امینی، ۱۳۸۰).

موسیقی، هنر ارتعاشات

در انسان تعامل متعادل فرکانس‌های ارتعاشی در درون بدن باعث حرکت و فعالیت می‌شود. به این معنی که زمانی که فرکانس‌های ارتعاشی بدن با یکدیگر هماهنگ باشند، ما احساس سلامتی کرده و خود را با خود و اطرافیان مرتبط می‌دانیم.

آزمایش‌های علمی نشان داده است که بمباران سلول‌های بدن با صداهای ناخوشایند و ناهنجار، باعث بالارفتن فشار خون، تعداد ضربان قلب و تنفس می‌شود. میزان منیزیم خون بالا رفته، چربی‌های زیادی آزاد شده و وارد سیستم گردش خون می‌شوند (عمرانی گرگری، ۱۳۸۲). موسیقی، راهی برای تجربهٔ ارتعاشات به شکل خاص است. موسیقی، هنر ارتعاشات است. تأثیر مثبت یا منفی این ارتعاشات بر روی جسم بستگی به چگونگی تنظیم و آرایهٔ موسیقی دارد. منبع صدای موسیقی، بلندی و کوتاهی صدا، حتی خالص بودن صدا اثر زیادی بر روی جسم و زندگی انسان می‌گذارد (همان منبع).

انسان زمانی احساس سلامتی حال می‌کند که تمام سلول‌های بدن او با یکدیگر کوک و هماهنگ باشند. همانطور که خیلی از عوامل مانند تغییر دمای محیط و صداهای بلند و ناگهانی می‌تواند

رادیو رسانه‌ای است که مخاطب و شنونده فقط از طریق یک حس با آن ارتباط برقرار می‌کند، لذا همواره در معرض قطع ارتباط قرار دارد، زیرا عوامل مزاحم زیادی در محیط وجود دارند که باعث حواس‌پرتی شنونده و در نتیجه قطع ارتباط مخاطب و یا شنونده با رادیو خواهند شد. از طرفی در رادیو موسیقی و انواع گوناگون برنامه برای انبوه مخاطبان در وضعیت‌های کاملاً متفاوت و گاهی متضاد پخش می‌شود. معنی این سخن آن است که همیشه تعدادی از مخاطبان از نامناسب بودن چگونگی یا زمان پخش برنامه یا موسیقی و نوع آن از رادیو گله‌مندند.

موسیقی برای استفاده است یا مصرف؟

شاید در مرحله نخست این سؤال چندان روشن نباشد. در صورتی که می‌توان گفت این تفاوت مهم‌ترین تفاوت کارکردی موسیقی و فلسفه آن در جامعهٔ مدرن و جدید است. این تغییر ناشی از ورود رسانه‌های مدرن از جمله رادیو به‌عنوان واسطه میان افراد و موسیقی برای شنیدن یا گوش دادن است.

متأسفانه در ادبیات حوزه موسیقی خلط نادرستی در مفهوم و کاربرد واژه‌های شنیدن و گوش کردن همچنین میان "مصرف" و "استفاده" صورت گرفته است. همچنان که میان شنیدن و گوش کردن تفاوت اساسی وجود دارد، میان مصرف موسیقی و استفاده از آن نیز همین تفاوت دیده می‌شود. اما میان شنیدن و مصرف از یک طرف و گوش کردن و استفاده کردن از طرف دیگر می‌توان رابطه مستقیم و معناداری نشان داد.

اثرات صوت توأم با گفتار در غلیان احساسات بسیار مؤثر است. صوت، قادر است بارهای عاطفی حاکی از نشاط و سرمستی یا افسردگی و اضطراب را تخلیه کند و تجدید قوای تازه‌ای در درون آدمی به‌وجود آورد. دقیقاً در طول نمایش یک فیلم در سینما نیز صوت در کادر به کادر فیلم‌ها قادر خواهد بود در انتقال مفاهیم

موسیقی نیست بلکه از آنجایی که بدن انسان مانند خود زمین، ریتم‌های خاصی دارد، موسیقی مورد استفاده در موسیقی درمانی باید بتواند به این ریتم‌ها ضربه زده و آن‌ها را متعادل سازد.

درست است که صوت، اثر ابتدایی بسیار شدید و عمیقی در شخص دارد اما نباید گذاشت که قسمت عمده استفاده ما از موسیقی منحصر به آن باشد. لذت بردن از موسیقی به طریق حسی اهمیت زیادی دارد ولی به تنهایی کافی نیست و احتیاجات ذوقی و معنوی شنونده را کاملاً رفع نمی‌سازد. تأثیر موسیقی از طریق حسی در عادی‌ترین افراد بشر، کافی‌ترین دلیل اهمیت آن است. ولی حساسیت اشخاص به‌هنگام گوش دادن به اصوات مختلف موسیقی متفاوت است. نباید تصور کنیم که اهمیت یک قطعه موسیقی فقط به میزان تأثیری است که از طریق حسی در شنونده دارد و یا قطعاتی را که از حیث تناسب و توافق اصوات در درجه اول است، باید حتماً از آثار مصنفان بزرگ دانست؛ اگر چنین بود مقام راول برتر از مقام بتهوون بود.

موسیقی در بطن خود دارای قدرتی شگرف برای افزایش تمرکز شخصی و افزایش سطح شادی دارد و این به غیر از توجه و نگرش صحیح به یافته‌های شخصیتی فرد تحقق نمی‌یابد. لذا برای رسیدن به هدف اصلی که همانا درمان بیمار و بازگرداندن او به وضعیت سلامت است، قدم اول تشخیص صحیح بیماری است و گام بعدی نیز انتخاب موسیقی مناسب برای درمان بیمار است. این قدرت درمانگری موسیقی از تشدید نظم حاکم بر عملکرد هورمونی و فعالیت غدد سرچشمه می‌گیرد و این نظم هورمونی است که بدن را به سوی شرایط تعادل و سلامت سوق می‌دهد.

برای تأیید این نکته می‌توان از گونه‌های مختلف موسیقی هندی نام برد که برای اهداف درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به‌طور مثال "آهیر بهایراو" به تنظیم سیستم هاضمه و گوارش کمک

می‌کند. "آساواری" اعتماد به نفس را در شخص تقویت می‌کند. "باقشری" برای درمان بی‌خوابی اثربخشی بالایی دارد. "با سانت باهار" برای درمان سنگ مثانه، "بهایراوی" برای درمان روماتیسم، "هیمنپ پالاس" برای رفع اضطراب و "کوندراکانس" برای درمان بی‌اشتهایی تجویز می‌شوند (تولیت و رجیان، ۱۳۸۵).

مبانی نظری تحقیق

بررسی تحقیقات پیشین

البته تاکنون تحقیقی که با موضوع تحقیق ما - "بررسی نقش موسیقی در اثر بخشی پیامهای رادیویی در شبکه تخصصی سلامت از دیدگاه کارشناسان و مخاطبان" - ارتباط مستقیمی داشته باشد، نیافتیم. اما به تعدادی از تحقیقات و مقالات متعددی که در زمینه تأثیرات مختلف موسیقی در سلامتی روان و جسم بود، به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

سلامتی واقعی جسمی

فقط به خاطر ملودی‌ها و

هارمونی‌های پیچیده و

تنظیم‌های ماهرانه قطعات

موسیقی نیست بلکه از

آنجایی که بدن انسان

مانند خود زمین، ریتم‌های

خاصی دارد، موسیقی

مورد استفاده در موسیقی

درمانی باید بتواند به این

ریتم‌ها ضربه زده و آن‌ها

را متعادل سازد.

پیشینه تحقیق (داخلی)

بررسی تأثیر القایی نوع موسیقی (پاپ، کلاسیک) بر روی تغییر خلق دانشجویان رشته روان‌شناسی (منصوره شهریاری احمدی، عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در سال ۱۳۸۳)

نتیجه پژوهش: موسیقی تأثیر القایی دارد اما موسیقی کلاسیک تغییر خلقی خاصی را ایجاد نمی‌کند در حالیکه تأثیر معنی‌دار موسیقی پاپ در این پژوهش مشاهده می‌شود.

موسیقی و بهداشت تن و روان (مهیار زمان، ژانیز اخلاقی و زهرا صناعی از دانشجویان سال آخر پزشکی دانشگاه علوم پزشکی لرستان در سال ۱۳۸۲)

نتیجه پژوهش: در تمام رویکردهای روان‌درمانی می‌توان از موسیقی به‌عنوان یک روش کمکی استفاده نمود.

موسیقی راهی مؤثر در جهت کاهش اضطراب بیماران قلبی (یداله سیاوش وهابی و همکارانش از دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله)

نتیجه پژوهش: گوش دادن به نوار موسیقی و نوار تن‌آرامی باعث کاهش اضطراب بیماران می‌شود اما بین دو شیوه موسیقی و تن‌آرامی در کاهش اضطراب بیماران اختلاف معنی‌داری وجود نداشت.

بررسی تأثیر موسیقی بر سیستم هورمونی در زنان باردار (مهناز ضیعی دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران)

نتیجه پژوهش: از آنجایی

که هورمون‌های بتاندروپینی، آدرنوکورتیکوتروپین و کورتیزول از شاخص‌های وضعیت استرس هستند و همچنین در خلال درد زایمان میزان آن‌ها به‌طور قابل توجهی بالا می‌رود، موسیقی با پایین آوردن سطح این هورمون‌ها باعث اصلاح و برقراری یک حالت تعادل در سیستم هورمونی شده و مشکلات مربوطه و امکان استفاده از درمان دارویی را به حداقل می‌رساند.

همچنین در مورد هورمون پروژسترون که کاهش آن یکی از عوامل سقط خودبخودی جنین است، باید گفت که موسیقی باعث افزایش سطح این هورمون شده و در نتیجه تا حد زیادی مانع از سقط خودبخودی جنین می‌شود.

بررسی تأثیر محرک‌های شنیداری (ریتمیک-ملودیک) بر روی پردازش اطلاعات (دیداری-شنیداری) افراد کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر (فربیا فلاح از گروه روانشناسی استثنائی دانشگاه آزاد اسلامی در سال ۱۳۸۲)

نتیجه پژوهش: میزان یادآوری آزمودنی‌های آموزش‌پذیر که تحت شرایط اعمال موسیقی به یادآوری آزمون حافظه مبادرت ورزیده‌اند (گروه آزمایش)، بیشتر از آزمودنی‌های گروه کنترل که بدون وجود محرک شنیداری (موسیقی) به یادآوری پرداخته‌اند، است. یافته‌های این تحقیق مطابق با پیش‌بینی‌ها و هماهنگ با پژوهش‌های پیشین بود.

بررسی میزان آگاهی افراد از تأثیرات فیزیولوژیک موسیقی در دانشجویان و کارمندان دانشگاه علوم پزشکی جهرم (لیلی مصلی‌نژاد و همکارانش در سال ۱۳۸۲)

نتیجه پژوهش: موسیقی آرام‌بخش متغیرهای فیزیولوژیک مرکزی مانند فشارخون، ضربان قلب، تنفس، نوار قلب و درجه حرارت را تحت تأثیر قرار داده و با تأثیر بر روی سیستم ایمنی و اندوکراین (سیستم غدد درون ریز) باعث کاهش درد، اضطراب، خستگی و افسردگی می‌گردد.

مقدمه‌ای بر درک موسیقی از دیدگاه علوم اعصاب و رفتار (مسعود نعمتیان از اعضای انجمن کاربرد موسیقی در سلامت جسم و روان دانشگاه علوم پزشکی تهران در سال ۱۳۸۲)

نتیجه پژوهش: مطالعات نوروپسیکولوژی و تصویربرداری مغزی نظیر سونوگرافی داپلر ترانس کرانیال، برش‌نگاری با گسیل یوزیترون و تصویربرداری با تشدید مغناطیسی

عملکردی، نشان می‌دهد که ادراک موسیقایی فقط وابسته به نیمکره راست نیست بلکه در شبکه‌های عصبی اجزای اصلی موسیقی مرتبط با هر دو نیمکره مغزی هستند؛ به عبارتی در مغز مرکز موسیقی نداریم.

از آنجا که در شنیدن و انجام ماهرانه و هماهنگ فعالیت‌های موسیقایی، بخش‌های مختلفی از دستگاه عصبی مرکزی و هر دو نیمکره فعال می‌باشند، به نظر می‌رسد مدالیت‌های موسیقی هم به لحاظ حسی و هم به لحاظ حرکتی، موجبات هماهنگی بیشتر عملکرد بین دو نیمکره را فراهم خواهد ساخت.

بررسی اثرات موسیقی درمانی بر گازهای خونی شریانی و وضعیت همودینامیک بیماران جراحی قلب باز (ناصر همتی، متخصص بیهوشی از دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه در سال ۱۳۸۲)



موسیقی می‌تواند همچون

یک اسلحه پر قدرت در

مبارزه با جنایت در جوامع

عمل کند. پژوهش‌های

انجام شده در آمریکا،

استرالیا و انگلستان نشان

داده که گوش دادن و یا

حتی نواختن موسیقی

کلاسیک و یا موسیقی

آرام، قادر است تا جوانان

پر در دسر را از اماکن

عمومی به دور نگهدارد.

نتیجه پژوهش: می‌توان موسیقی درمانی را به عنوان یک روش درمانی در کاهش اضطراب بیماران تحت تنفس مکانیکی در جراحی قلب پیشنهاد نمود.

پیشینه تحقیق (خارجی)

به دلیل خاص بودن موضوع این تحقیق، در منابع خارجی که جست‌وجو صورت گرفت، مطلب و تحقیق مشابهی یافت نشد. اما در خصوص نقش موسیقی در سلامت جسم و روان به مقاله جالبی در یکی از ژورنال‌های اخیر به نام **Focus Music on the mind** برخورد کردم. عنوان این مقاله Music on the mind بود که مطالب زیر اقتباسی از این ترجمه است:

• تأثیر موسیقی بر ذهن

قرن‌ها است که آهنگسازان، به دنبال خلق ملودی‌های فراموش‌ناشدنی بوده‌اند و برای ساختن این گونه ملودی‌ها، آنها از قوانینی در موسیقی بهره گرفته‌اند که به کمک آنها احساس و علائق شنونده را به کمک مخلوطی از آواها و نواهای زیبا جذب کرده و تأثیر درمانی در ذهن ما انسانها به وجود آورند.

برطبق کشفیات باستانشناسان، ابزار و ادوات موسیقی که حتی انسانهای اولیه (نئاندرتالها) هم از آنها استفاده می‌کردند، از زیر خاک بیرون آمده است. از همه جالب‌تر علم روانشناسی امروز است که بیشتر و بیشتر به تأثیرات ذهنی و احساسی موسیقی روی انسان پی برده است. همه این فعل و انفعالات سرانجام در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، کار را به آنجا رسانده است که تئوری‌های گوناگون در مورد تأثیر موسیقی بر ذهن آدمی و چگونگی این تأثیر ظاهر شود. برخی صرفاً به جنبه احساسی قضیه توجه می‌کنند و معتقدند که تنها نوای زیبا کافی است که روی ذهن آدمی تأثیر لازم را بگذارد و برخی دیگر به بخش علمی ماجرا توجه می‌کنند و می‌گویند که مغز و ذهن تحت تأثیر صدا قرار می‌گیرد و چنین است که اختلاف نظرهایی هم پدید آمده است

(بهروزی، ۱۳۸۷).

در مقوله مقایسه مغز و موسیقی شنیده شده توسط آن، پژوهشگران به سرپرستی پروفیسور زاتوره در دانشگاه کبک واقع در کانادا به یکسری آزمایش مهم دست زدند. آنها عده‌ای داوطلب را به گونه‌ای مورد آزمایش قرار دادند که در حین شنیدن انواع مختلف موسیقی، مغز و واکنش‌های مغزی آنها نیز توسط اسکن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در مطالعه پاسخ‌های مربوط به آزمایش فوق، پژوهشگران به یک موضوع بسیار جالب و غیر منتظره برخوردند و آنهم تأثیر موسیقی شاد روی امواج مغزی بود و در واقع امواج مغزی تحرک بیشتری با شنیدن موسیقی شاد از خود نشان می‌دادند و این برخلاف ادعای بسیاری از روانشناسان است که روح و روان را سوای تحرکات مغزی و امواج آن محسوب می‌کنند. در این میان با مشاهده ترسیم کامپیوتری از مغز و مکانهایی که مغز تحت تأثیر موسیقی شاد و یا موسیقی آرام قرار گرفته، به خوبی پی به آن می‌بریم که امواج مغزی در طراحی واکنش‌های انسان در برابر موسیقی کاملاً دخیل است (همان منبع).

• نقش موسیقی جلوگیری از جنایت موسیقی می‌تواند همچون یک اسلحه پر قدرت در مبارزه با جنایت در جوامع عمل کند. پژوهش‌های انجام شده در آمریکا، استرالیا و انگلستان نشان داده که گوش دادن و یا حتی نواختن موسیقی کلاسیک و یا موسیقی آرام، قادر است تا جوانان پر دردسر را از اماکن عمومی به دور نگهدارد. در انگلستان یک دوره آزمایش با شرکت و کمک اداره راه‌آهن انگلستان انجام شد و در آن در داخل قطارهای انگلستان تنها از موسیقی کلاسیک و موسیقی بسیار آرام برای مدت یک ماه استفاده شد و پس از پایان این دوره، پژوهشگران متوجه شدند که سرقت در قطارها به میزان ۳۲ درصد، مجادله و حمله به گردانندگان و کارکنان قطار به میزان ۲۵ درصد و خرابکاری ابزار و وسایل قطار به میزان ۳۷ درصد

نسبت به سایر ماه‌ها کاهش یافته است. همچنین در سال ۲۰۰۴ در گوشی‌های سربازان آمریکایی در عراق، قسمت‌هایی از موسیقی آرام پخش شد و نتیجه آن شد که خشونت از جانب سربازان تا میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرده است (بهروزی، ۱۳۸۷).

• موسیقی درمانی

امروزه به تجربه می‌بینیم که خیلی از افراد از کوچک تا بزرگ، آرام و بی‌قرار، بیمار و سالم، از فرد رنجور و مضطرب تا افسرده و از شنوا تا نابینا از نوای آرام بخش و دلنشین موسیقی بهره می‌برند. زمانی موسیقی در دست طبیبان نخستین برای تسخیر امراض و اشباح مزاحم و خروج آنها در هیجان ضرباهنگ و حرکات و آواهای موزون شفافبخش بود و روزگاری دیگر در اندیشه یونانیان برای تنظیم هارمونی عناصر بدن به کار رفت و امروز در برداشتی علمی و کاربردی برای ایجاد نیروی زندگی، سلامت و توانایی در مراکز گوناگون پزشکی، روانپزشکی و زندگی روزمره مردم حضور یافته است. موسیقی درمانی راه و روش استفاده از موسیقی برای ایجاد آرامش، خوشی، سلامت و توانایی فردی و اجتماعی است (زاده محمدی، ۱۳۸۰).

برخی از علایم مربوط به ناهنجاری‌های روحی و روانی و حتی مشکلات جسمانی را هم می‌توان با استفاده از موسیقی کاهش داد یا آن را درمان کرد. برای مثال اوتیسم، افسردگی و دردهای عضلانی را در برخی از موارد، به کمک موسیقی درمان و معالجه کرده‌اند. هر سه این ناهنجاری‌ها تا حد فراوانی از مغز متأثر می‌شوند و حالا به کمک موسیقی که روی امواج مغزی تأثیر گذاشته، توانسته‌اند تا میزان آن را کاهش داده و یا در برخی از موارد آن را کاملاً معالجه نمایند. به خصوص موسیقی‌های ارکستری که با ارکسترهای بزرگ نواخته می‌شود، با تأثیری که روی امواج مغزهای آشفته ایجاد می‌کند در برابر ناهنجاری یادشده کارایی قدرتمندی نشان داده است.

• تأثیر موسیقی بر افزایش قدرت مغز یکی از جالب‌ترین نتایجی که از آزمایش‌های مربوط به تأثیر موسیقی به دست آمده است، اثر برخی از انواع موسیقی روی آی کیو یا ضریب هوشی شنونده است و جالبتر از آن سازندگان این نوع موسیقی‌ها هستند که خود در میان نوابغ بشری می‌باشند. برای مثال در آزمایش‌ها نشان داده شده که گوش فرادادن به آثار موتزارت، ضریب هوشی شنونده را افزایش می‌دهد. حال با توجه به اینکه موتزارت خود از نوابغ و با ضریب هوشی حیرت‌انگیز بوده است، این نکته بسیار جالب به نظر می‌رسد که اثر هنری از یک انسان با ضریب هوشی بالا روی ضریب هوشی سایر انسانها هم تأثیر مثبت می‌گذارد. حال آثار متعلق به چاکوفسکی، شوپن، بتهوون و حتی موریس ژار در حیطه موسیقی فیلم هم همین تأثیر جالب را روی شنونده باعث می‌شود.

• تأثیر بر نحوه رانندگی

در این بخش موسیقی هم در جنبه‌های منفی و هم در جنبه‌های مثبت تأثیرگذار بوده است. طی چندین پژوهش در کشورهای آلمان، آمریکا و کانادا که درباره تأثیر موسیقی بر نحوه رانندگی انجام شد، نتایج بسیار مهمی حاصل شده است. در این پژوهش‌ها در درجه اول تصادف‌های بین اتومبیل‌ها و همچنین برخورد اتومبیل به مکان‌ها یا انسان و نوع موسیقی که در لحظه تصادف، رانندگان اتومبیل‌ها به آنها گوش فرا می‌دادند، مورد توجه قرار گرفته است و نتایج به دست آمده حاکی از آنست که در بسیاری از موارد در اینگونه تصادف‌ها، رانندگان با نوعی از موسیقی سروکار داشته‌اند که نه تنها از آرامش در آن خبری نبوده، بلکه صدای گوش‌خراش و عوامل خشم و نفرت در آن موج می‌زده است و برعکس از رانندگانی که طی پنج یا ده سال، کارنامه رانندگی آنها خالی از تصادف بوده نیز درباره عادت‌های موسیقایی‌شان پرسش به عمل آمده که در اکثریت قریب



تأثیر بسزایی داشته باشد، به‌ویژه آن موسیقی که تأثیر خاصی روی ذهن شنونده داشته و ذهن او را بیشتر تحریک می‌کند.

روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی (پیمایش تلفنی و مصاحبه) بهره گرفته شد. دو جامعه آماری برای این تحقیق مطرح بود؛ جامعه آماری کارشناسان حوزه رسانه و موسیقی و جامعه آماری مخاطبان.

برای انتخاب جامعه آماری کارشناسان ده نفر مشخص شدند. این کار شناسان از افرادی صاحب‌نظر و ذی‌صلاح در امر برنامه سازی رادیو و موسیقی و رسانه هستند که در حال حاضر نیز در کمیته‌های ارزیابی برنامه‌های رادیویی معاونت صدا و دانشکده صداوسیما مشغول کارشناسی و تدریس هستند.

در خصوص جامعه آماری مخاطبان نیز بدین‌صورت عمل شد: در مرحله اول تعداد هزار نفر از مخاطبان همیشگی رادیو سلامت انتخاب شدند. در مرحله دوم عددی به صورت تصادفی از بین اعداد ۱ تا ۹ انتخاب شد که همین عدد معیار شروع مرحله بعدی برای انتخاب جامعه آماری مخاطبان شد با این توضیح که انتخاب ما به فاصله عدد ۱۰ از عدد

به اتفاق آنها، موسیقی آرام یا کلاسیک حرف اول را می‌زده است. در واقع مقوله رانندگی و حوادث ناشی از آن، یکی از حیطه‌هایی است که موسیقی در آن اهمیت فراوانی نشان داده و نوع موسیقی و تأثیر آن روی شیارها و امواج مغزی، در تعیین طراز رانندگی و تصمیم‌گیری در لحظات حساس تأثیری بدون گفتگو را نشان داده است (به‌روزی، ۱۳۸۷).

موسیقی و تقویت و بازگشت حافظه

درباره تأثیر موسیقی در هوش و ضریب هوشی مطالب زیادی گفته شده، اما یکی از عوامل مهم دیگر در مورد تأثیر موسیقی بر مغز همانا اثرات آن روی حافظه است. از جانب دانشمندان و پژوهشگران در دانشگاه لیدز واقع در انگلستان طی یک پرسش عمومی از مردم در سنین مختلف خواسته شده تا در مورد یادآوری اتفاقی که در هنگام شنیدن موسیقی مربوط به یک گروه خاص (بیتل‌ها) به یاد آن‌ها مانده تلاش کنند. در پاسخ کاشف به عمل آمد که اشخاص خاطراتی را که در هنگام شنیدن موسیقی به ذهن سپرده‌اند، بسیار شفاف‌تر و کامل‌تر از سایر خاطرات به یاد می‌آورند. در واقع این آزمایش و آزمایش‌های نظیر آن نشان می‌دهد که موسیقی در تقویت و شفاف‌سازی خاطرات و حافظه می‌تواند

گرچه یافتن قطعات متناسب با محتوا و همچنین متناسب با زمان پخش، نیاز به صرف وقت و حوصله زیادی است، اما حرکت درست در این راستا در جذب مخاطب بیشتر بسیار موثر است و تثبیت جایگاه رادیو سلامت را به عنوان شبکه ای اثرگذار به دنبال خواهد داشت.

معیار انتخاب شده بود، نتیجه این شد که ما صد نفر از مخاطبان **رادیو سلامت** را که خوشبختانه از طیف‌های مختلف (تحصیل کرده، کارمند، بیکار، زن و مرد، جوان و سالخورده و...) نیز در بین آنها به چشم می‌خورد، در اختیار گرفتیم.

ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات

برای این تحقیق از ابزار پرسشنامه، بررسی مدارک و اسناد و مصاحبه کمک گرفته شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده که از طریق پرسشنامه‌ها و مصاحبه به دست آمد، از نرم‌افزار آماری SPSS استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

رادیو رسانه آگاهی و دانایی، رادیو سلامت رسانه سلامت و تندرستی و موسیقی ابزاری کلیدی در رادیو برای ساخت برنامه و انتقال پیام است.

موسیقی زمانی در رادیو به ویژه رادیو سلامت جایگاه مناسب خود را می‌یابد که ضمن تامین فضای مناسب شنیداری همسو با پیام بوده و در تعارض با آن قرار نگیرد. شاید در این راستا استفاده از موسیقی بین‌الملل به لحاظ عادت رایج و سهولت در دسترسی به آن، موجی از پخش موسیقی بین‌الملل را به همراه داشته که فضای غالب ناشی از آن در اغلب شبکه‌های رادیویی شنیده می‌شود و شبکه رادیویی **سلامت** نیز از آن بی‌بهره نمانده است. گرچه یافتن قطعات متناسب با محتوا و همچنین متناسب با زمان پخش، نیاز به صرف وقت و حوصله زیادی است، اما حرکت درست در این راستا در جذب مخاطب بیشتر بسیار موثر است و تثبیت جایگاه رادیو سلامت را به عنوان شبکه‌ای اثرگذار به دنبال خواهد داشت.

توجه به موسیقی مناسب ایرانی هم در تامین بهداشت روانی مخاطبان موثر است و هم اینکه دریچه جدیدی از کاربرد موسیقی ایرانی را به روی سازندگان برنامه‌های سلامت محور می‌گشاید. اگرچه تلفیق موسیقی و کلام در

رادیو سلامت ممکن است سهل و ساده به نظر برسد ولی به جهت اهمیت محتوا و نیز اهمیت توجه به حوصله مخاطب در دریافت پیام‌های شنیداری از ویژگی‌های خاص برخوردار است و صد البته سلیقه تهیه‌کننده و توانایی او را نیز نباید نادیده گرفت.

در این کار تحقیقی بر آن شدیم تا نقش این عنصر از عناصر برنامه‌سازی (موسیقی) را در اثربخشی پیام‌های سلامت در رادیوی تخصصی **سلامت** از دید کارشناسان و مخاطبان بررسی کنیم. نتایج به دست آمده از پاسخ مخاطبان به سوالات پرسشنامه و همچنین پاسخ کارشناسان به سوالات تشریحی در فرایند مصاحبه، با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

نتایج حاصله از پاسخ مخاطبان و کارشناسان نشان داد که به موسیقی توجه کافی دارند و اهمیت آن را کمتر از کلام نمی‌دانند. همچنین از موسیقی می‌توان به تنهایی و در زمان‌های تعریف شده با نظر کارشناسان امر به‌منظور التیامبخشی به مخاطبان استفاده کرد.

با توجه به نتایج حاصله از نظرات جامعه آماری مخاطبان و کارشناسان می‌توان گفت که به مقوله استفاده از انواع موسیقی از جمله موسیقی سنتی و کلاسیک -که کاربرد آن در برنامه‌های علمی شبکه **سلامت** بیشتر مورد تایید کارشناسان ارزیابی است- متأسفانه از سوی برنامه‌سازان کمتر توجه شده است. بنابراین توجه به این امر در شبکه **سلامت** الزامی است.

منابع

استور، آنتونی (۱۳۸۲) **موسیقی و ذهن**، ترجمه غلامحسین معتمدی، تهران؛ نشر مرکز.
اشمیت پترز، ژاکلین (۱۳۸۰) **مقدمه‌ای بر موسیقی درمانی**، ترجمه علی‌زاده محمدی، تهران؛ نشر اسرار دانش.
امینی، محمدرضا (۱۳۸۰) **اعجاز صوت و موسیقی**، تهران؛ انتشارات سوره مهر.
اینگلیس، فرد (۱۳۷۷) **نظریه رسانه‌ها**، تهران؛ مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای

صداوسیما جمهوری ایران.
بهرروزی، بهمن (۱۳۸۰) جهان و شبکه‌های تخصصی، **مجموعه مقالات سومین جشنواره برنامه‌های رادیویی**، اردیبهشت ۲۹-۲۷، (۲۳۳-۲۳۱). تهران: اداره کل تحقیق و توسعه صدا.

تولیت، سیدعلیرضا. رجیبان، بنفشه (۱۳۸۰) **دریچه‌ای به جهان شگفت‌انگیز موسیقی تهران**؛ انتشارات حیان.

جاوید، هوشنگ (۱۳۸۶) **موسیقی-رسانه**، تهران؛ انتشارات طرح آینده (دفتر پژوهش‌های رادیو).

خجسته، حسن (۱۳۸۴) **تاملاتی جامعه‌شناختی درباره رادیو**، تهران؛ نشر طرح آینده (دفتر پژوهش‌های رادیو).

خجسته، حسن (۱۳۸۶) موسیقی در رادیو و فلسفه شنیدن، **مجله رادیو**، شماره ۳۵، تهران، اداره کل پژوهش‌های رادیو.

زاده‌محمدی، علی (۱۳۸۱). **کارکردهای موسیقی درمانی در روانپزشکی**، پزشکی و روان‌شناسی تهران؛ انتشارات اسرار دانش. سایت موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره): www.qabas.org.
سایت اینترنتی ویکی‌پدیا: www.wikipedia.org.

سینتا، ساسان (۱۳۸۲) **چشم‌انداز موسیقی ایران**، تهران؛ انتشارات ماهور.

کلانتری، عبدالحسین (۱۳۸۸) **چکیده مقالات دومین اجلاس بین‌المللی رادیو**، تهران؛ نشر طرح آینده (دفتر پژوهش‌های رادیو).

کمپ بل، ران (۱۳۸۰) **اعجاز موسیقی**، ترجمه منیژه بهزاد، تهران؛ نشر محمد.

فصلنامه **پژوهش و سنجش**، رسانه و سلامت ۱ سال ۴۹، بهار ۱۳۸۶.

فصلنامه **پژوهش و سنجش** "رسانه و سلامت ۲" سال ۵۰، تابستان ۱۳۸۶.

ماموریت و اهداف شبکه سلامت (۱۳۸۱). تهران؛ اداره کل تحقیق و توسعه صدا.

مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**. موقی، کیت و ریچارد (۱۳۸۴) **صدای شفابخش موسیقی**، ترجمه آذر عمرانی گرگری، تهران؛ نشر ارسباران.

نفری، بهرام (۱۳۷۷) **اطلاعات جامع موسیقی**، تهران؛ نشر مارلیک.

یعقوبی، مرضیه. **گنجینه سخنان بزرگان**، تهران.